



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعید افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي و نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعید افغاني: آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



## بصير «پاکزاد»

تاریخ نشر: 2 جون 2026 میلادی

### عجب و رجب

**عجب:**

نه کاراست و نه بارو پول و پیسه  
نه خرچ خانه، نی چیزی به کیسه  
نخوردم رشوه گاهی پول حرام  
نه خاین بودم و نی آدم خام  
کنون حیرانم و راه گم عجب خان  
بیابم از کجا یک لقمه یی نان

**عجب:**

رجب خان! مثل تو دل دل قطاراست  
همه در کوشش یک گوشه کار است  
یکی دارد کراچی روی بازار  
دگر اندر هوای ملک اغیار  
یکی مزدور و دیگر گشته دهقان  
گروهی رفته پاکستان و ایران  
من و تو در کمال نا توا نی  
نه قوت مانده درما، نی جوانی  
فقط آواره یی یک لقمه یی نان  
نی درد ما دوا دارد نی درمان  
شویم گر مالک یک یک کراچی  
غم و سودای دنیا را به ماچی؟

کجا میری رجب خان پیاده پیاده  
گهی در شهر نو گاهی به جاده  
به چرت استی و لبهائیت کشال است  
بگوجانم، چی وضع است و چه حال است؟  
چطور است کار و بارت ای برادر!  
تو در اردو بودی پیشینه افسر  
همیشه در وظیفه بودی مصروف  
به ماهها گم بودی او لاله می ضوف  
نباشد، کار و بار را ترک کردی؟  
و یا هم مشکلی را درک کردی؟

**رجب:**

عزیز دل چی دارم از تو پنهان  
که ما و تو دو جسم استیم و یک جان  
دراین کشور تو می بینی چی حال است  
غریب و غریبه هرسو، در پچال است  
مرا رخصت نمودند از وظیفه  
به خانه، خُلق من تنگ از (نظیفه)

\*\*\*

بصير «پاکزاد»

www.said-afghani.org - بازگشت به صفحه اصلی